

Investigating the Qur'ānic Foundations of Revolutionary Diplomacy in the Thought of the Supreme Leader and Its Impact on the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran

Morteza Soveylami¹, Habibollah Abolhassan Shirazi², Shiva Jalalpour³, Hamed Ameri Golestani⁴

¹ PhD Student, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
morteza.soveylami@iau.ac.ir

² Professor, Department of Political Science and International Relations, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). H_shirazi@iau.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. shivajalalpour2016@iau.ac.ir

⁴ Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. hamed.ameri@iau.ac.ir

Abstract

The revolutionary diplomacy of the Islamic Republic of Iran, grounded in Qur'ānic principles, Islamic teachings, and Islamic political jurisprudence, has delineated a distinct and identity-centered framework for the country's foreign policy. In opposition to the global hegemonic order, this diplomacy is designed to realize independence, justice, and the defense of the oppressed. In the thought of the *maqām-e mu'azzam-e rahbarī* (the Supreme Leader), three fundamental principles—*'izzah* (dignity), *hikmah* (wisdom), and *maṣlaḥah* (expediency)—serve as overarching guidelines that determine foreign policy strategies. Other components, such as opposition to global arrogance (*istikbār-sitīzī*), rejection of domination, and support for the oppressed, are articulated and structured in light of these principles. In fact, this strategic triad has become the metric for assessing and balancing the foreign behavior of the Islamic Republic of Iran. This is a qualitative and theoretical study, employing a descriptive-analytical method, and drawing upon Qur'ānic, jurisprudential, and political sources to examine the Qur'ānic foundations of revolutionary diplomacy and its impact on Iran's foreign policy. The three principal research questions addressed are: (1) What Qur'ānic principles influence revolutionary diplomacy? (2) How have these principles shaped Iran's foreign policy? (3) What impact has this diplomacy had on the regional power and international standing of the Islamic Republic? The research hypothesis suggests that revolutionary diplomacy, relying on Islamic foundations, has provided an active, independent, and resilient model in the face of international threats, contributing to the enhancement of legitimacy, independence, and regional influence of the Islamic Republic of Iran. The findings indicate that this diplomacy, grounded in Qur'ānic and jurisprudential principles, has offered a unique and effective foreign policy model—preserving Islamic identity and national independence while increasing regional influence, soft power, international legitimacy, and shaping a multipolar global order.

Keywords: Revolutionary Diplomacy, Political Jurisprudence, Foreign Policy, Supreme Leader, Anti-Arrogance, Independence.

بررسی مبانی قرآنی دیپلماسی انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مرتضی سویلیمی^۱، حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی^۲، شیوا جلال‌پور^۳، حامد عامری گلستانی^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

morteza.soveylami@iau.ac.ir

^۲ استاد، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول). H_shirazi@iau.ac.ir

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. shivajalalpour2016@iau.ac.ir

^۴ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. hamed.ameri@iau.ac.ir

چکیده

دیپلماسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای اصول قرآنی، آموزه‌های اسلامی و فقه سیاسی اسلام، چارچوبی متمایز و هویت‌محور برای سیاست خارجی کشور ترسیم کرده است. این دیپلماسی در تقابل با نظم سلطه‌محور جهانی، با هدف تحقق استقلال، عدالت و دفاع از مظلومان، طراحی شده است. در اندیشه مقام معظم رهبری، سه اصل بنیادین «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» به‌منزله اصول راهنمای کلان، مبنای تعیین راهبردهای سیاست خارجی قرار گرفته‌اند؛ اصولی که سایر مؤلفه‌ها از جمله استکبارستیزی، نفی سلطه و حمایت از مستضعفان در پرتو آن‌ها تبیین و تنظیم می‌شوند. درواقع، این سه‌گانه راهبردی، معیار سنجش و تعادل‌بخشی در رفتار خارجی جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده است. این پژوهش از نوع کیفی و نظری بوده و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع قرآنی، فقهی و سیاسی، به بررسی مبانی قرآنی دیپلماسی انقلابی و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. سه پرسش اصلی در این زمینه عبارتند از: اول، اصول قرآنی مؤثر بر دیپلماسی انقلابی کدام‌اند؟ دوم، این اصول چگونه در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران ایفای نقش کرده‌اند؟ سوم، این نوع دیپلماسی چه تأثیری بر قدرت منطقه‌ای و جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی داشته است؟ فرضیه پژوهش بر آن است که دیپلماسی انقلابی، با اتکاء به مبانی اسلامی، توانسته الگویی فعال، مستقل و مقاوم در برابر تهدیدات بین‌المللی ارائه دهد و زمینه‌ساز ارتقای مشروعیت، استقلال و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران گردد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این دیپلماسی، با اتکاء به اصول قرآنی و فقهی، مدلی متمایز و مؤثر از سیاست خارجی ارائه داده که ضمن حفظ استقلال و هویت اسلامی، به تقویت نفوذ منطقه‌ای، افزایش قدرت نرم، ارتقاء مشروعیت بین‌المللی و شکل‌دهی به نظم چندقطبی در سطح جهانی کمک کرده است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی انقلابی، فقه سیاسی، سیاست خارجی، مقام معظم رهبری، استکبارستیزی، استقلال.

پژوهش حاضر مستخرج از: رساله دکتری، با عنوان «دیپلماسی انقلابی در اندیشه امام‌خامنه‌ای با تأکید بر دوران پساجام» است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

© نویسندگان.

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



۱. مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، براساس مبانی قرآنی و اصول فقهی اسلام تدوین شده است. این سیاست، که بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت استوار است، ضمن حفظ استقلال و هویت اسلامی کشور، بر حمایت از مستضعفان و مقابله با سلطه‌گری قدرت‌های استکباری تأکید دارد. در این راستا، دیپلماسی انقلابی به‌عنوان یکی از ارکان سیاست خارجی ایران، نقشی اساسی در تبیین راهبردهای کلان نظام ایفا می‌کند. این دیپلماسی، که ریشه در آموزه‌های قرآنی و فقه اسلامی دارد، تحت هدایت مقام معظم رهبری شکل گرفته و در عرصه بین‌الملل به‌عنوان راهبردی برای تقویت استقلال ملی، مقاومت در برابر استکبار و حمایت از ملت‌های مظلوم به کار گرفته شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب و بیانات متعدد خود، بر لزوم اتخاذ سیاست خارجی عزتمندانه و انقلابی تأکید داشته‌اند. ایشان، با الهام از تعالیم قرآن کریم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بر مبنای نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و ایجاد نظم عادلانه در روابط بین‌الملل تبیین کرده‌اند. از سوی دیگر، اصول ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین مبانی تأکید داشته و بر ضرورت تعاملات بین‌المللی مبتنی بر استقلال، عدالت و حمایت از مستضعفان اشاره کرده‌اند. با این حال، در برابر این رویکرد، برخی جریان‌ها و مکاتب فکری، سیاست‌های سازش‌کارانه را پیشنهاد می‌کنند که با اصول دیپلماسی انقلابی در تضاد است. پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی مبانی قرآنی و فقهی دیپلماسی انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری، تأثیرات آن را بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بررسی کند. به‌ویژه، نقش این دیپلماسی در مقابله با استکبار جهانی، حمایت از ملت‌های مظلوم و تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۲. مفاهیم پژوهش

قبل از پرداختن به بیان مبانی قرآنی و فقهی دیپلماسی انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری، لازم است ابتدا مفهوم سیاست خارجی روشن شود تا مباحث بعدی به‌طور دقیق‌تر و روشن‌تر قابل فهم باشد. برای سیاست خارجی تعاریف مختلفی ارائه شده و برخی منابع حتی به ۲۰۰ معنا برای آن اشاره کرده‌اند. اما در اینجا تنها به برخی از تعاریف که با مقصود پژوهش حاضر نزدیک‌تر است، اشاره خواهد شد. از جمله تعاریفی که برای سیاست خارجی ارائه شده، تعریف زیر است: «سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا مجموعه‌ای از اقدامات از پیش طراحی‌شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که هدف آن دستیابی به مقاصد مشخص در چارچوب منافع ملی و در

محیط بین‌المللی است» (مقتدر، ۱۳۵۸، ص ۲۷۱-۲۷۲).

در این تعریف، چند رکن اساسی برای سیاست خارجی ذکر شده است:

۱) اعمال از پیش طرح‌ریزی شده: به این معنا که سیاست خارجی برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های قبلی است.

۲) دستیابی به اهداف معین: سیاست خارجی با هدف تحقق مقاصد مشخص در عرصه بین‌الملل تنظیم می‌شود.

۳) چارچوب منافع ملی در محیط بین‌المللی: سیاست خارجی باید در چهارچوب منافع ملی تعریف شود و در سطح بین‌المللی معنا پیدا کند، چرا که در غیر این صورت، دیگر سیاست خارجی محسوب نمی‌شود.

تعریف دومی که برای سیاست خارجی ارائه شده، عبارت است از: «سیاست خارجی، جهت‌گیری و رویکردی است که یک دولت اتخاذ می‌کند و براساس آن در عرصه بین‌الملل فعالیت می‌نماید. همچنین، سیاست خارجی نشان‌دهنده نگرش دولت نسبت به جامعه بین‌المللی است (خوشوقت، ۱۳۵۸، ص ۲۱۵). این تعریف از نظر واژگانی با تعریف نخست تفاوت‌هایی دارد. در تعریف اول، بر برنامه‌ریزی و اعمال از پیش تعیین‌شده تأکید شده است، در حالی که در تعریف دوم، نگرش و جهت‌گیری کلی دولت در برابر نظام بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود، این دو معنا را می‌توان مکمل یکدیگر دانست، چراکه سیاست خارجی هم شامل تصمیم‌گیری‌های راهبردی و برنامه‌ریزی شده، و هم بیانگر نگرش کلی دولت نسبت به جهان است. از این‌رو، هر دو تعریف صحیح بوده و درک جامعی از سیاست خارجی ارائه می‌دهند.

مقام معظم رهبری سیاست خارجی و دستگاه اداره‌کننده سیاست خارجی را ابزار کارآمد اقتدار نظام سیاسی می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند: «سیاست خارجی و دستگاه اداره‌کننده سیاست خارجی در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است که رابطه و حدود و منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می‌کند. هرچه هم که دنیا از ارتباطات بیشتری و نزدیک‌تری برخوردار بشود، این نقش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. خیلی از مشکلات کشورها را دیپلماسی توأم با ابتکار و اقتدار می‌تواند حل کند. در واقع دیپلماسی ابزار کارآمد اقتدار نظام سیاسی است. اقتدار نظام سیاسی را بیش از بسیاری از دستگاه‌هایی که حافظ و موظف به حفظ امنیت ملی هستند، دستگاه دیپلماسی و اداره‌کننده سیاست خارجی می‌تواند به عهده بگیرد و تحقق ببخشد» (۱۳۷۹/۵/۲۵).

۳. اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در تمامی نظام‌های سیاسی و حکومتی جهان، قانون اساسی بالاترین سند و منبع رسمی برای

تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها محسوب می‌شود. چهارچوب‌ها و اصول سیاست خارجی هر کشور نیز در این سند مشخص و تعریف می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی به‌عنوان معتبرترین و غنی‌ترین منبع برای سیاست خارجی شناخته می‌شود و رهنمودهایی برای تعیین سیاست‌های خارجی کشور در بندها و اصول مختلف آن آمده است.

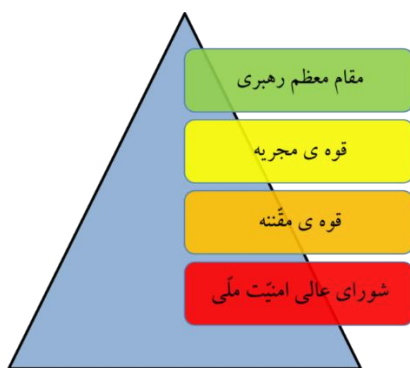
برخی از اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که از قانون اساسی برگرفته شده‌اند، به شرح زیر است:

- (۱) سعادت انسان در جامعه بشری (اصل ۱۵۲)
 - (۲) تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلامی (اصل ۳)
 - (۳) حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان (اصل ۱۵۴)
 - (۴) امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی (اصل ۲)
 - (۵) خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر (اصل ۱۵۴)
 - (۶) تعهد برادرانه در قبال همه مسلمانان (اصل ۳)
 - (۷) اتحاد و همبستگی ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام (اصل ۱۱)
 - (۸) دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان (اصل ۱۵۲)
 - (۹) نفی هرگونه ظلم و ستمگری (اصل ۲)
 - (۱۰) نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (اصل ۲)
 - (۱۱) تعهد نداشتن در برابر قدرت‌های سلطه‌گر (اصل ۱۵۲)
 - (۱۲) جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور (اصل ۴۳)
 - (۱۳) استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی (اصول ۲ و ۳)
 - (۱۴) طرد کامل استعمار (اصل ۳)
 - (۱۵) جلوگیری از نفوذ اجانب (اصل ۳)
 - (۱۶) نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی شود (اصل ۱۵۳)
 - (۱۷) روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب (اصل ۱۵۳)
 - (۱۸) اعطای پناهندگی به پناهجویان سیاسی از ظلم دولت‌هایشان (اصل ۱۵۵).
- از این اصول می‌توان دریافت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای ماهیتی جهان‌شمول، فراملی و مبتنی بر آرمان‌های اسلامی است. این اصول، سعادت انسان‌ها را در سراسر

جهان به‌عنوان هدفی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده و در راستای آرمان‌های جهانی و اسلامی عمل می‌کند. در ادامه، به بررسی ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و سپس رویکرد این نظام در سیاست خارجی را، که مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری است، تحلیل خواهیم کرد.

۴. ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی هر کشور به دو ساختار رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. ساختار رسمی شامل نهادها و مقامات تصمیم‌گیرنده‌ای است که اختیارات آن‌ها در قانون اساسی کشور مشخص شده، در حالی که ساختار غیررسمی شامل گروه‌ها و تشکلهایی است که در تصمیم‌گیری‌ها تأثیرگذارند، ولی به‌طور رسمی در قدرت جایگاهی ندارند. در جمهوری اسلامی ایران نیز هر دو نوع ساختار وجود دارد. ساختار رسمی تصمیم‌گیری شامل مقام معظم رهبری، قوه مجریه، قوه مقننه و شورای عالی امنیت ملی است. این نهادها طبق قانون اساسی مسئول اتخاذ تصمیمات در سیاست خارجی هستند. در کنار این ساختار رسمی، گروه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و مذهبی مانند افکار عمومی، مطبوعات و نهادهای انقلابی می‌توانند در فرآیند تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشند.



شکل ۱- ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در ادامه هر یک از ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بررسی خواهند شد.

- ♦ **مقام معظم رهبری:** بالاترین مقام تصمیم‌گیری که نظارت، تأیید مصوبات شورای عالی امنیت ملی، اعلان صلح و جنگ، و تعیین سیاست‌های کلان خارجی را برعهده دارد.
- ♦ **قوه مجریه:** رئیس‌جمهور دومین مقام رسمی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی است که

امضای عهدنامه‌ها، پذیرش و اخراج سفرا، و معرفی وزیر امور خارجه به مجلس را انجام می‌دهد. وزارت خارجه نیز در تدوین و اجرای سیاست‌ها نقش دارد، اما جایگاه تصمیم‌گیری ندارد.

♦ **قوه مقننه:** مجلس شورای اسلامی در تصویب عهدنامه‌ها، تغییرات مرزی، دعاوی بین‌المللی، وام‌های خارجی و استخدام کارشناسان خارجی نقش مستقیم دارد. همچنین از طریق تصویب بودجه و استیضاح وزرا، به‌طور غیرمستقیم بر سیاست خارجی اثر می‌گذارد. شورای نگهبان نیز با نظارت بر مصوبات مجلس در این حوزه تأثیرگذار است.

♦ **شورای عالی امنیت ملی:** نهادی که در امور امنیتی و نظامی تصمیم‌گیری می‌کند و مصوباتش با تأیید رهبری اجرایی می‌شود. این شورا به دلیل پرداختن به مسائل امنیتی، یکی از ساختارهای کلیدی در سیاست خارجی است (سویلیم، ۱۴۰۲).

۵. تبیین مبانی قرآنی دیپلماسی انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری

دیپلماسی انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری براساس اصول قرآنی، فقهی و مبانی انقلاب اسلامی شکل گرفته است. این دیپلماسی، برخلاف نگاه منفعلانه به روابط بین‌الملل، بر پایه عزت، حکمت و مصلحت استوار بوده و اهدافی همچون استکبارستیزی، حمایت از مستضعفان و تقویت جبهه مقاومت اسلامی را دنبال می‌کند. دیپلماسی انقلابی در جمهوری اسلامی ایران بر مبانی فقهی استوار است که از آموزه‌های اسلامی و دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی نشأت گرفته‌اند. این مبانی بر اصولی همچون استقلال، عزت، نفی سلطه، حمایت از مستضعفین و استکبارستیزی تأکید دارند. در این راستا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره براساس ارزش‌های دینی و انقلابی شکل گرفته و چارچوبی مشخص برای تعاملات بین‌المللی ترسیم نموده است.

۵-۱. اصل عزت، حکمت و مصلحت

یکی از اصول بنیادین دیپلماسی انقلابی، اصل عزت، حکمت و مصلحت است که مستند به آیه شریفه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸) می‌باشد. این اصل بیانگر آن است که سیاست خارجی ایران باید به گونه‌ای تنظیم شود که عزت و استقلال کشور را حفظ کرده و از هرگونه ذلت‌پذیری پرهیز نماید.

۵-۱-۱. عزت

عزت به معنای عدم وابستگی و پرهیز از پذیرش سلطه بیگانگان است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، عزت ملی را یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کنند. این اصل در کنار حکمت و مصلحت،

چارچوب دیپلماسی انقلابی را شکل می‌دهد و موجب می‌شود که روابط بین‌الملل ایران بر مبنای استقلال، مقاومت و عدم سلطه‌پذیری تنظیم شود. اصل عزت که یکی از اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، از دیدگاه رهبر انقلاب از ارکان اساسی سیاست خارجی کشور به‌شمار می‌آید. ایشان بر ضرورت حفظ عزت ملی در روابط خارجی تأکید دارند و می‌فرمایند: «ما براساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خود حرکت می‌کنیم» (۱۳۷۰/۰۴/۱۸). علمدار انقلاب اسلامی براساس این بیانات، مبنای حرکت خود را بر پایه عزت اسلامی و توحیدی، به‌ویژه عزت مردم قرار می‌دهند. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم تصریح می‌کنند که: «از تهدیدهای پوچ آنان نهراسید؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشید و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کنید. در مورد آمریکا، حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی، محصولی نخواهد داشت».

رهبر انقلاب به‌صراحت تهدیدهای دشمنان را بی‌اساس و پوچ می‌دانند و به مسئولان توصیه می‌کنند که همواره عزت ملی را در تصمیم‌گیری‌های خود مدنظر قرار دهند. ایشان معتقدند که حفظ عزت ملی و ایستادگی در برابر تهدیدات خارجی، از اصول بنیادین انقلاب اسلامی است که ریشه در آموزه‌های قرآن و اسلام دارد. قرآن کریم به مسلمانان فرمان می‌دهد تا همواره از عزت و کرامت انسانی خود دفاع کنند و در برابر هر نوع بی‌احترامی و تهدید، به آن پایبند باشند. آیات قرآن مانند آیه ۱۳۵ سوره آل عمران که می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، «و هرگز سستی نکنید و غمگین نباشید، شما برتری دارید اگر ایمان دارید»، بر حفظ عزت اسلامی و ایستادگی در برابر تهدیدات خارجی تأکید دارند. در این آیه، مؤمنان به عنوان افراد برتر شناخته شده‌اند و خداوند از ضعف، سستی و اندوه آن‌ها نهی کرده است. رهبر انقلاب نیز تأکید دارند که در سیاست خارجی نباید از خود ضعف نشان داد و باید از هر اقدامی که به ذلت مسلمانان منجر شود، پرهیز کرد. اگرچه این آیه در خصوص جنگ با کفار نازل شده است، اما اولاً محدود به آن زمان نیست. ثانیاً، دیپلماسی در سیاست خارجی نیز نوعی جهاد است، همان‌طور که رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «میدان دیپلماسی، میدان یک نبرد واقعی است، منتها نبردی که پشت میز و با لبخند و با گفتن صبح بخیر و شب بخیر انجام می‌گیرد...!» (۱۳۷۹/۰۴/۱۹).

ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «دیپلماسی یک جنگ است، شما آن را به خوبی می‌دانید و آن را مانند جنگ‌های نظامی و برخوردهای اقتصادی که تاکتیک، عقب‌نشینی، حمله، جابجایی و فریب جنگی دارد، لمس کرده‌اید. همه دیپلمات‌های دنیا مشغول جنگند. ارزش تأثیر آن جنگ گاهی از

جنگ‌های نظامی کمتر نیست، بلکه در مواردی بیشتر است. البته همیشه این‌طور نیست. منظور من از جنگ یک مبارزه معمولی نیست که این کار همه دیپلمات‌هاست» (۱۳۶۸/۵/۳۱). بنابراین، این آیه هر نوع مبارزه با دشمن را شامل می‌شود. از این‌رو، یکی از دلایل اصلی دیدگاه رهبری در خصوص حفظ عزت ملی در سیاست خارجی، همین آیه است. رهبر انقلاب در خصوص امام خمینی می‌فرماید: «همت امام، که رهبر و پیشوای این انقلاب بودند، بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در مردم احیاء کنند و عزت آن‌ها را بازگردانند. امام بزرگوار، فرهنگ «ما می‌توانیم» را به زبان مردم آورد و در دل آن‌ها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱۳۹۱/۰۳/۱۴). از منظر رهبر انقلاب، باور به اینکه ما هم می‌توانیم پیشرفت و توسعه داشته باشیم و به علم و تکنولوژی دست یابیم، امری ضروری است. اعتقاد به ناتوانی، نشانه‌ای از حقارت است. ایشان در تعریف عزت ملی می‌فرمایند: «معنای عزت ملی این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود نباید طوری حرکت کنند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن است کسی ضعیف باشد، اما ذلیل نباشد» (۱۳۶۸/۱۱/۰۹). چنانچه خداوند در آیه مذکور ما را از پذیرش سستی و ذلت نهی کرده و به دلیل ایمان به خدا، برتر می‌داند، این بدین معناست که ما عزتمند هستیم.

در جای دیگر، عزت ملی را بدین‌گونه معنا می‌کنند: «عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود، به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود و به موجودیت انسانی و فکری خود نگاه می‌کند، باید احساس عزت و غرور کند، و نه احساس حقارت و ذلت» (۱۳۸۸/۰۲/۲۲). پس، اولین موضوع در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از منظر رهبر انقلاب، حفظ عزت ملی است. عزت ملی بدین معناست که مسئولین در برخورد با دیگران به‌گونه‌ای رفتار کنند که موجب ذلت اسلام و مسلمین نشود. این سیاست رهبر انقلاب برگرفته از آیات قرآن کریم است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده، ۵۱). در این آیه، خداوند سبحان در توصیف مؤمنان می‌فرماید: «در برابر مؤمنان تواضع دارند و در برابر کفار عزتمند هستند». این بیان دقیقاً برگرفته از سخنان رهبر انقلاب است که در روابط بین‌الملل بر حفظ عزت ملی تأکید دارند. مضمون این آیه و دیگر آیات قرآن کریم نشان‌دهنده آن است که مسلمانان نباید پذیرای ذلت باشند، بلکه باید عزت خود را حفظ کنند. در فرهنگ و منطق قرآن، عزت از آن خداوند،

رسول خدا و مؤمنان است. ادعای عزت در غیر خدا، رسول و مؤمنان از روی جهل است: «يَقُولُونَ لَيْسَ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلُّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون، ۸). در این آیه، منافقان ادعای عزت کرده و مسلمانان را ذلیل می‌پندارند. آنان می‌گویند که عزتمندان، افراد ضعیف را از مدینه اخراج خواهند کرد؛ در حالی که منظورشان از عزتمندان، خودشان، و از افراد ذلیل، مسلمانان است. اما خداوند در پاسخ، عزت را مختص خود، رسولش و مؤمنان می‌داند و جهل منافقان را عامل این برداشت نادرست معرفی می‌کند.

در جای دیگر، خداوند عزت را منحصر به خود می‌داند و نسبت به کسانی که عزت را در پیوند با غیر مؤمنان جستجو می‌کنند، هشدار می‌دهد: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أََوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِيتُ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»، «کسانی که کافران را به جای مؤمنان به دوستی می‌گیرند، آیا عزت را نزد آنان جستجو می‌کنند؟ در حالی که عزت، همگی از آن خداوند است» (نساء، ۱۳۹).

این آیه به روشنی بیان می‌کند که عزت حقیقی تنها در ارتباط با خداوند حاصل می‌شود و کسانی که آن را در پیوند با بیگانگان می‌جویند، از حقیقت غافل‌اند. دقیقاً، حفظ عزت مسلمانان یکی از اصول بنیادین سیاست خارجی اسلام و حکومت اسلامی است. در این راستا، حکومت اسلامی و کارگزاران آن وظیفه دارند که در تعامل با بیگانگان، عزت اسلام و مسلمین را حفظ کرده و از هرگونه رفتار یا توافقی که منجر به ذلت مسلمانان شود، پرهیز کنند.

۵-۱-۲. حکمت

حکمت به معنای تدبیر و عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است. یک نظام اسلامی باید در مواجهه با تحولات جهانی، سیاست‌های خود را بر پایه عقلانیت و تدبیر صحیح بنا کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»، «خداوند به هرکس بخواهد، حکمت می‌بخشد و هر کس حکمت یابد، بی‌تردید خیر بسیاری یافته است» (بقره، ۲۶۹). در این آیه، حکمت به عنوان نعمتی ارزشمند معرفی شده که خداوند آن را به بندگان خاص خود عطاء می‌کند. در سیاست خارجی، حکمت یعنی اتخاذ تصمیماتی که با درایت، دوراندیشی و منافع امت اسلامی هماهنگ باشد و از هرگونه اقدام نسنجیده پرهیز شود. همچنین خداوند در سوره نحل، آیه ۱۲۵ می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»، «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به بهترین شیوه مجادله نما» (نحل، ۱۲۵). این آیه بیانگر آن است که برخورد با دیگران، اعم از دشمنان یا دوستان، باید بر پایه حکمت و منطق استوار باشد. به‌ویژه در سیاست خارجی، یک

حکومت اسلامی باید با تدبیر و آینده‌نگری، بهترین راهبردها را برای حفظ منافع امت اسلامی انتخاب کند.

۵-۱-۳. مصلحت

مصلحت نیز نشان‌دهنده توجه به شرایط زمانی و مکانی و تأمین منافع کشور در عرصه بین‌المللی است. سیاست خارجی یک نظام اسلامی باید به گونه‌ای باشد که ضمن پایبندی به اصول اسلامی، واقعیت‌های جهانی و منطقه‌ای را نیز در نظر بگیرد. خداوند در سوره انفال، آیه ۶۰ می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...»، «و تا جایی که می‌توانید، نیروی (نظامی) و اسبان آماده کنید، تا دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید...». این آیه بر آمادگی و قدرت‌یابی مسلمانان در برابر دشمنان تأکید دارد. در سیاست خارجی، مصلحت اقتضاء می‌کند که یک حکومت اسلامی، بدون غفلت از دشمنان، سیاست‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کند که قدرت بازدارندگی لازم را داشته باشد و منافع ملت را تأمین کند. امام علی (ع) نیز در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ»، «باید محبوب‌ترین کارها نزد تو، آن چیزی باشد که در حق میانه‌رو، در عدالت گسترده، و در جلب رضایت مردم، فراگیرتر باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این توصیه امیرالمؤمنین (ع)، در سیاست خارجی نیز کاربرد دارد. یک حکومت اسلامی باید در اتخاذ تصمیمات خود، میان اصول ثابت و شرایط متغیر تعادل برقرار کند و در عین حال، از هرگونه مصلحت‌اندیشی که موجب ذلت اسلام و مسلمین شود، بپرهیزد. رهبر معظم انقلاب نیز با استناد به آیات قرآن، همواره بر این اصل تأکید داشته‌اند که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عزت ملی و اسلامی نباید خدشه‌دار شود. ایشان بر این باورند که اقتدار و استقلال کشور در عرصه بین‌المللی باید بر مبنای عزت، حکمت و مصلحت باشد؛ تا هم شأن امت اسلامی حفظ شود و هم مسیر پیشرفت کشور بدون وابستگی به بیگانگان ادامه یابد.

۶. روابط خارجی در چارچوب اصول اسلامی و انقلابی

رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب به موضوع روابط خارجی جمهوری اسلامی اشاره کرده و تأکید می‌کنند که هیچ محدودیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد، مشروط بر اینکه این روابط در چارچوب اصول اسلامی و انقلابی باشد.

۶-۱. استکبارستیزی و نفی سلطه

براساس آموزه‌های اسلامی و آیه ۱۴۱ سوره نساء: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»،

یکی از اصول کلیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نفی سلطه و استکبارستیزی است. این اصل بر پایه این اعتقاد استوار است که هیچ قدرتی نباید بر مسلمانان سلطه یابد و روابط بین‌المللی باید بر مبنای برابری و احترام متقابل باشد. رهبر انقلاب اسلامی بر این باورند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای تنظیم شود که از اصول اسلامی و انقلابی تخطی نشود. یکی از این اصول اساسی استکبارستیزی است که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌شدت مورد تأکید قرار دارد. به همین دلیل، رهبر انقلاب در مورد روابط با قدرتهای استکباری می‌فرمایند: «ما هیچ گردن‌کلفتی و ژست ابرقدرتی را از هیچ‌کس قبول نمی‌کنیم. هر کس بخواهد برخورد قلدرمآبانه ابرقدرتی با ما داشته باشد، ما حرف او را به خودش برمی‌گردانیم» (۱۳۶۸/۰۲/۱۸). رهبر انقلاب اسلامی در جملات دیگری نیز تأکید می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران همواره آماده تعامل و مذاکره با کشورهای مختلف جهان است، به‌شرط آنکه این روابط به عزت و استقلال ایران آسیب نزنند. ایشان می‌فرمایند: «ما راه تعامل و مذاکره و تبادل نظر و نشست و برخاست و معامله با هیچ کشوری در دنیا را جز همین رژیم صهیونیستی و آمریکا نبسته‌ایم» (۱۳۹۸/۰۷/۰۴). بله، دقیقاً همین‌طور است. رهبر انقلاب اسلامی بر داشتن روابط فعال و گسترده با کشورهای مختلف جهان تأکید دارند، اما با دو استثناء؛ آمریکا و رژیم صهیونیستی. دلیل این امر نیز ماهیت استکباری آمریکا و ماهیت غاصبانه و اشغالگر رژیم صهیونیستی است. آمریکا به عنوان سرچشمه استکبار جهانی، همواره به دنبال سلطه بر کشورهای مستقل، از جمله ایران بوده و رویکردی زورگویانه و تحقیرآمیز در برابر ملت‌های آزادی‌خواه دارد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی یک رژیم اشغالگر است که با غصب سرزمین‌های اسلامی، سال‌هاست که ملت مظلوم فلسطین را تحت ستم و جنایات خود قرار داده است. به همین دلیل، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول عزت، استقلال و حمایت از مستضعفان جهان شکل گرفته است و هرگونه تعامل و مذاکره با این دو رژیم را ممنوع می‌داند. در مقابل، ایران آماده همکاری و تعامل با تمامی کشورهای دیگر است، مشروط بر اینکه این روابط بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک باشد و به عزت و استقلال جمهوری اسلامی ایران خدشهای وارد نکند.

این بیان نشان‌دهنده رویکرد محکم و بدون تسامح جمهوری اسلامی در برابر سلطه‌طلبی‌های جهانی است و تأکید دارد که هیچ‌گونه تسلیم شدن در برابر قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر پذیرفته نیست. یکی از اصول مورد تأکید رهبر انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، لزوم تعیین مرزبندی با دشمن است. ایشان در این باره بیان می‌کنند که مرزبندی به معنای قطع روابط نیست، بلکه باید از اختلاط و ابهام در این مرزها پرهیز شود. به گفته ایشان: «مرزبندی با دشمن به معنای این

نیست که ما رابطه‌مان را قطع کنیم؛ توجه بکنید، مغالطه نکنند که شما می‌گویید: ما با همه دنیا دشمنیم؛ نه، مرزبندی کنید، مرزها مخلوط نشود» (۱۳۹۲/۰۲/۱۵).

رهبر حکیم انقلاب درباره لزوم تعیین مرزبندی با دشمن در بیانیه گام دوم انقلاب تأکید می‌کنند: «جمهوری اسلامی متحجر نیست و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو فاقد احساس و ادراک نیست؛ اما به اصول خود به شدت پایبند است و در مرزبندی با رقیبان خود حساسیت زیادی دارد. جمهوری اسلامی با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالا نیست و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند؟» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). مرزبندی شفاف با دشمن از دیدگاه رهبر انقلاب، یکی از ارکان اساسی حفظ امنیت نظام و پایداری انقلاب اسلامی در برابر تهدیدات جنگ نرم محسوب می‌شود. ایشان معتقدند که عدم توجه به این مرزبندی می‌تواند زمینه‌ساز نفوذ، فریبکاری و تسلط دشمنان در حوزه‌های فرهنگی و فضای مجازی گردد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «یک مسئله دیگر که باز این را هم عرض کنیم، مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم است. یکی از کارهای بسیار لازم همین است که ما نگذاریم مرزمان با دشمن کم‌رنگ بشود. اگر مرزبندی با دشمن نبود و مرز برجسته نبود، عبور از این مرز چه از این طرف به آن طرف، چه از آن طرف به این طرف، ممکن می‌شود، درست مثل مرزهای جغرافیایی؛ اگر مرز جغرافیایی نباشد و برجسته نباشد، خب از آن طرف یک نفری بلند می‌شود، می‌آید اینجا، و نفوذ پیدا می‌کند؛ آدم قاچاقچی، آدم دزد، آدم جاسوس از آن طرف می‌آید به این طرف، از این طرف هم یک آدم غافل، آدم خواب‌آلوده، از مرز عبور می‌کند، و می‌رود آنجا گیر می‌افتد. مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روشن نبود، دشمن می‌تواند نفوذ کند، می‌تواند خدعه کند، می‌تواند فریبنده عمل بکند، می‌تواند بر فضای مجازی مسلط بشود. اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود» (۱۳۹۷/۱۲/۲۳).

ایشان به روشنی بر اهمیت مرزبندی اعتقادی و سیاسی با دشمن تأکید دارد و آن را راهکاری برای مصونیت از تهاجم نرم معرفی می‌کند. در واقع، همان‌طور که در مرزهای جغرافیایی، حفظ حاکمیت و جلوگیری از نفوذ دشمن حیاتی است، در عرصه فرهنگی، اعتقادی و سیاسی نیز لازم است مرزهای فکری و ارزشی جامعه به‌وضوح مشخص و حفظ شود. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم خطاب به ملت ایران می‌فرماید: «دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود با دشمن را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند، از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). رهبر معظم انقلاب در بیانات خود بر اهمیت مرزبندی با دشمن تأکید دارند و آن را یکی از اصول اساسی سیاست خارجی نظام اسلامی می‌دانند. این دیدگاه ریشه در

آموزه‌های قرآنی دارد، جایی که قرآن کریم حضرت ابراهیم (ع) و پیروان او را به‌عنوان الگویی برای مؤمنان معرفی می‌کند. دلیل این الگو بودن، مرزبندی آشکار آنان با دشمنان و اعلام برائت از شرک و طاغوت بوده است. در آیه‌ای از قرآن کریم آمده است: «لَقَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (ممتحنه، ۴). در این آیه، حضرت ابراهیم (ع) و یارانش، موضع قاطع خود را در برابر مشرکان اعلام کرده و از آنان و آیین‌شان برائت جستند. این مفهوم، همان اصل مرزبندی با دشمن است که سیاست‌های اسلامی براساس آن شکل می‌گیرد. قرآن کریم در ادامه تأکید می‌کند که ایمان به توحید و خدامحوری، مبنای حرکت مؤمنان بوده و میان آن‌ها و دشمنان دین، هیچ پیوند اعتقادی وجود ندارد: «كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ...» (ممتحنه، ۴)، «کافر شدیم به‌شما، یعنی ما آیین و باورهای شما را نپذیرفتیم و از پرستش معبودهای غیرالهی که شما بدان گرایش دارید، بی‌زاری جستیم. از این پس، میان ما و شما جدایی و تضادی آشکار پدید آمده و هیچ‌گونه پیوند و همراهی اعتقادی میان ما وجود نخواهد داشت».

در آغاز سوره ممتحنه، خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...» (ممتحنه، ۱). این آیه بیانگر هشداری به مؤمنان است که نباید دشمنان خدا و دشمنان خودشان را به‌عنوان دوست و تکیه‌گاه برگزینند. این در حالی است که آنان نسبت به حقایقی که برای اهل ایمان نازل شده، کفر ورزیده‌اند. این دستور قرآنی، بر ضرورت حفظ استقلال فکری و عدم وابستگی به دشمنان تأکید دارد و در واقع، بخشی از همان اصل مرزبندی با دشمن است که در سیاست‌گذاری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. این آیات، بر ضرورت حفظ فاصله و استقلال فکری و اعتقادی از جبهه باطل تأکید داشته و بیانگر اصل مهمی در سیاست و حرکت جامعه اسلامی است که رهبر انقلاب نیز آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

۶-۲. عدم اعتماد به دشمن

رهبر معظم انقلاب بر این باورند که در عرصه سیاست خارجی، اعتماد به دشمن خطایی بزرگ است؛ چراکه دشمنان اهل نیرنگ، فریب و خدعه‌اند. ایشان در این زمینه هشدار داده و فرموده‌اند: «به ستمگران اعتماد نکنید، چراکه نتیجه این اعتماد همان چیزی است که امروز در جهان اسلام مشاهده می‌شود؛ دولت‌های مسلمان و جوامع اسلامی، با تکیه بر ظالم‌ترین قدرت‌های جهان، آسیب دیده‌اند و عواقب آن را به چشم می‌بینند» (۱۳۹۹/۰۲/۰۶). در جای دیگری نیز تأکید کرده‌اند: «هر ملت و دولتی که به آمریکا اعتماد کند، متضرر خواهد شد، حتی اگر از هم‌پیمانان آن باشد. این توصیه

را بار دیگر تکرار می‌کنم: نباید به دشمنی که با ظاهری دوستانه لبخند می‌زند، اعتماد کرد» (۱۳۹۲/۰۸/۱۲). رهبر معظم انقلاب در این بخش از سخنانشان به یک نکته حیاتی اشاره می‌کند که در عرصه دیپلماسی و تعاملات بین‌المللی باید بسیار مراقب و هوشیار بود. ایشان تأکید دارند: «به دشمنی که لبخند می‌زند، اعتماد نکنید؛ این را ما به مسئولین مان، به بچه‌های خودمان، فرزندان خودمان، اینهایی که در مسئله دیپلماسی مشغول کار هستند، بچه‌های ما هستند، جوان‌های خود ما هستند، توصیه می‌کنم، توصیه ما به اینها آن است که: مراقب باشید، لبخند فریبگرانه، شما را دچار اشتباه نکند، دچار خطا نکند؛ ریزه‌کاری‌های کار دشمن را ببینید» (۱۳۹۲/۰۸/۱۲).

در آغاز دولت یازدهم، یکی از اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که توسط رهبر معظم انقلاب بارها و به‌طور مکرر تبیین شده است، عدم اعتماد به دشمن است. این اصل، همواره به‌عنوان یکی از خط‌مشی‌های اساسی در تعاملات بین‌المللی کشور مطرح گردیده است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «سرمداران نظام سلطه در نگرانی به‌سر می‌برند، پیشنهادهای آنان عمدتاً مملو از فریب، نیرنگ و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکا، برخی از دولت‌های اروپایی را نیز به دلیل فریبکاری و غیرقابل اعتماد بودن، شایسته اعتماد نمی‌داند». در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که بر عدم اعتماد به دشمن تأکید دارند. یکی از این آیات که به وضوح به این موضوع اشاره دارد، آیه ۱۱۸ سوره آل‌عمران است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةِ مَن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» (آل عمران، ۱۱۸). این آیه، خطاب خداوند را به مؤمنان نشان می‌دهد که آنان را از اعتماد به دشمنانشان برحذر می‌دارد و از مشورت با آنان نهی می‌کند؛ زیرا دشمنان از هیچ خیانتی نسبت به مؤمنان دریغ نخواهند کرد و آرزوی رنج و سختی آنان را در دل دارند. گاه نشانه‌های کینه و دشمنی از سخنانشان آشکار می‌شود، در حالی که آنچه در دل نهفته دارند، از آن نیز شدیدتر است. این آیه به روشنی بر لزوم هوشیاری در برابر دشمنان و دلایل عدم اعتماد به آنان تأکید دارد، حقیقتی که برای صاحبان خرد و اندیشه روشن و بدیهی است. این آیه تأکید می‌کند که دشمنان در نهایت به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند و همواره در تلاش‌اند تا به شما آسیب برسانند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، به‌عنوان فقیه و مرجع دینی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای آموزه‌های قرآنی تبیین نموده‌اند. در این راستا، تأکید ایشان بر عدم اعتماد به دشمنان، مستند به آیات الهی است که به صراحت نسبت به فریب و نیرنگ دشمنان هشدار می‌دهند. به‌عنوان نمونه، آیه ۱۱۹ سوره آل‌عمران به‌روشنی بر این حقیقت دلالت دارد: «وَإِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَىٰكُمْ الْأَمْلَ مِنَ الْغَيْظِ» (آل عمران، ۱۱۹)، «و هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، می‌گویند:

ایمان آورده‌ایم؛ اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را می‌گزند». این آیه نشان می‌دهد که دشمنان، در ظاهر رفتار دوستانه و تأییدآمیز دارند، اما در باطن، نسبت به مؤمنان بغض و دشمنی می‌ورزند. بر همین اساس، رهبر انقلاب اسلامی بارها بر لزوم پرهیز از اعتماد به لب‌خند و ادعاهای ظاهری دشمنان تأکید کرده‌اند. آیه ۱۲۰ سوره آل‌عمران نیز همین مفهوم را تأیید می‌کند: «إِنْ تَمَسَّسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا» (آل‌عمران، ۱۲۰)، «اگر به شما خیری برسد، آنان را ناراحت می‌کند، و اگر مصیبتی به شما رسد، خوشحال می‌شوند». این حقیقت قرآنی، که دشمنان از پیشرفت و موفقیت مسلمانان ناخشنودند و از مشکلات و گرفتاری‌های آنان شادمان می‌شوند، مبنای روشنی برای سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین، آیه ۱۱۳ سوره هود، پیامدهای اعتماد به دشمنان را به‌طور صریح بیان می‌کند: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود، ۱۱۳)، «و به کسانی که ظلم کرده‌اند، اعتماد نکنید که آتش [عذاب الهی] شما را دربر خواهد گرفت». رهبر انقلاب اسلامی نیز در تبیین این آموزه قرآنی فرموده‌اند: هر ملت و دولتی که به آمریکا اعتماد کند، ضربه خواهد خورد، حتی اگر از دوستان آمریکا باشد» (۱۳۹۲/۰۸/۱۲). این بیانات، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، نشان می‌دهند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای عدم اعتماد به دشمنان طراحی شده است.

۳-۶. پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم

یکی از اصول کلیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، که رهبر معظم انقلاب اسلامی بر آن تأکید داشته‌اند، پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم است. در بند ۳۱ سیاست‌های کلی نظام، که از سوی ایشان ابلاغ شده، آمده است: ثبات در سیاست خارجی براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدف‌های زیر: گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، و ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم است. رهبر انقلاب، ضمن تأکید بر سه اصل اساسی عزت، حکمت و مصلحت، هدفی را در سیاست خارجی دنبال می‌کند که یکی از ارکان آن، حفظ آرامش در روابط بین‌المللی و اجتناب از ایجاد تنش با کشورهایی است که رویکرد خصمانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران ندارند. مفهوم پرهیز از تنش در روابط خارجی، ریشه‌ای عمیق در آموزه‌های اسلامی دارد. به‌عنوان نمونه، قرآن کریم در سوره عنکبوت، آیه ۴۶، توصیه می‌کند که حتی در مواجهه با اهل کتاب، شیوه‌ای نیکو در پیش گرفته شود: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» (عنکبوت، ۴۶)، «و با اهل کتاب جز به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند». این آیه نشان می‌دهد که در روابط بین‌المللی نیز اصل بر تعامل محترمانه و پرهیز از درگیری‌های غیرضروری است. البته، استثنای

این قاعده، ستمگرانی هستند که رفتار خصمانه دارند، و در برابر آنها، جدال احسن توصیه نشده است. از سوی دیگر، قرآن کریم در سوره ممتحنه، آیه ۸، به صراحت به تعامل مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانانی که دشمنی نکرده‌اند، اشاره می‌کند: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه، ۸)، «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که با شما در دین جنگ نکرده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد؛ زیرا خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد». رهبر معظم انقلاب اسلامی، در تفسیر این آیه، سیاست جهاد اسلامی را نه به‌عنوان ابزاری برای تحمیل عقیده، بلکه به‌عنوان مقابله با ظلم و استکبار تبیین کرده‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «جهاد در اسلام برای تحمیل عقیده نیست، بلکه برای مبارزه با کسانی است که انسان‌ها را به بردگی می‌کشند. جهاد اسلامی، جنگ با ملت‌ها نیست، بلکه جنگ با قدرت‌های ستمگر و ظالم است ... قرآن دستور می‌دهد با کفاری که به شما تعرض نکرده‌اند، با شما ظالمانه برخورد نکرده‌اند، به شما تجاوز نکرده‌اند، به عدالت رفتار کنید و نیکی کنید» (۱۳۸۵/۰۶/۲۷). در این آیه خداوند متعال مؤمنان را از برقراری روابط نیکو و مسالمت‌آمیز با کسانی که دشمنی و خصومتی با آنان ندارند، منع نکرده است. اگر گروهی از کفار نه آسیبی به جامعه اسلامی وارد کنند و نه توطئه‌ای علیه مسلمانان داشته باشند، برقراری رابطه‌ای صلح‌آمیز با آنان از نظر الهی جایز دانسته شده است. این آیه، یکی از آیاتی است که بر ضرورت پرهیز از تشنج در تعاملات بین‌المللی و روابط با کشورهای غیرمتخاصم تأکید دارد و در حقیقت بخشی از اصول سیاست خارجی اسلام را تبیین می‌کند. در آیه ۶۱ سوره انفال آمده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»، «اگر آنان به سوی صلح تمایل نشان دهند، تو نیز به آن متمایل شو و بر خداوند توکل کن». مفهوم این آیه، تأکید بر برقراری روابط مسالمت‌آمیز و دوری از تنش در تعامل با افراد و کشورهای غیرمحراب است. خداوند در این آیه به پیامبر اکرم (ص) فرمان می‌دهد که در صورت ابراز تمایل دشمنان به صلح و آشتی، او نیز این رویکرد را بپذیرد. این آموزه اسلامی نشان‌دهنده تأیید روابط حسنه با غیرمسلمانانی است که قصد دشمنی ندارند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز براساس این اصل قرآنی، بر ضرورت پرهیز از تنش در روابط خارجی با کشورهای غیرمتخاصم تأکید کرده و آن را یکی از ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برشمرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «آن کفاری که با شما مسئله و دعوائی ندارند و سابقه سوء و ظلمی نسبت به شما نداشته‌اند، شما می‌توانید با آنها روابط حسنه برقرار کنید» (۱۳۶۸/۱۱/۱۹).

۶-۴. حمایت از مستضعفین و مبارزه با ظلم

حمایت از مستضعفین یکی دیگر از اصول فقهی دیپلماسی انقلابی است که ریشه در آیه «وَتُرِيدُ

أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ» (قصص، ۵) دارد. این اصل جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌کند که در سطح بین‌المللی از ملت‌های مظلوم و تحت ستم حمایت کرده و در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایستادگی کند. یکی از محورهای اساسی ذیل بند ۳۱ سیاست‌های کلی نظام که توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده، حمایت از مسلمانان، ملت‌های مستضعف و به‌ویژه مردم مظلوم فلسطین است. حمایت از محرومان و مستضعفان جهان یکی از اصول ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود؛ اصلی که رهبر انقلاب بارها بر آن تأکید داشته‌اند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «سیاست نه شرقی و نه غربی، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت امت اسلامی و مقابله با عواملی که موجب اختلاف در میان مسلمانان می‌شوند، از اصول راهبردی ما است» (۱۳۶۸/۰۴/۱۴). رهبر انقلاب در سخنان دیگری نیز، دفاع از مستضعفان و مقابله با توطئه‌های استکبار را یک تکلیف برای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و تصریح می‌کنند: «ما برای مقابله با توطئه‌های استکبار، نسبت به این کشور و این منطقه و همه ملت‌های مستضعف، وظایف و تکالیف بسیاری داریم که باید آنها را انجام دهیم» (۱۳۶۹/۱۰/۱۹).

از دیگر تأکیدات ایشان آن است که اسلام ناب محمدی باید پناهگاه و امید محرومان باشد. ایشان می‌فرمایند: «آن اسلامی هم که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فروکشته قشرهای مظلوم را در سطح دنیا، نه فقط در سطح کشور خودمان، زنده و احیاء کند، شک کنید در اینکه این دین اسلام باشد» (۱۳۶۸/۱۲/۱۰). همچنین، رهبر انقلاب در یکی از پیام‌های خود خطاب به زائران خانه خدا به انتقاد از کسانی می‌پردازد که معتقدند نباید در موسم حج به مسائل سیاسی پرداخت. ایشان می‌فرمایند: «از جمله اشتباهاتی که همواره تکرار می‌شود و گاه از زبان برخی افراد بی‌توجه به حقایق اسلامی شنیده‌ایم، این است که نباید حج را سیاسی کرد! این چه سخنی است؟ ما اگر در حج از ملت فلسطین یا سایر ملت‌های مظلوم همچون مردم یمن حمایت می‌کنیم، این یک اقدام سیاسی است، اما در عین حال جزئی از تعالیم اصیل اسلامی نیز محسوب می‌شود. دفاع از مظلوم یک فریضه شرعی و واجب است» (۱۳۹۸/۰۴/۱۲). رهبر انقلاب دفاع از مظلومان را یک وظیفه دینی می‌دانند و از کسانی که با این مسئله مخالفت می‌کنند، به شدت انتقاد می‌کنند. ایشان تأکید دارند که حمایت از مظلومان در حج، نه تنها یک اقدام سیاسی، بلکه جزئی از ماهیت دین اسلام است.

آنچه در اینجا حائز اهمیت است، تأکید بر مبانی قرآنی و دینی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی است. قرآن کریم وظیفه مسلمانان را حمایت از مظلومان و مستضعفان در برابر ستمگران و ظالمین قرار داده است. خداوند از مسلمانان می‌خواهد که

در دفاع از مظلومان کوتاهی نکنند و به یاری آنها برخیزند. در این راستا، قرآن کریم با کلمه «مالکم» مسلمانان را سرزنش می‌کند که چرا وقتی صدای فریاد مظلومان به گوششان رسید، به یاری آنان نشتافتند؟ در این زمینه، امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر شریف خود به فرزندانش فرمودند: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا». این عبارت به وضوح نشان می‌دهد که در دفاع از مظلوم و دشمنی با ظالم، هیچ‌گونه تفاوتی میان مذهب، قومیت، دین یا جغرافیا وجود ندارد. معیار قرآن برای حمایت از مظلوم، ظلم است؛ هر جا ظلمی رخ دهد، مسلمانان موظف به حمایت از آن مظلوم هستند، چه در داخل جهان اسلام و چه خارج از آن. در قرآن کریم در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَجَعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَجَعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء، ۷۵). این آیه وقتی خوانده می‌شود و وضعیت مسلمانان و کشورهای اسلامی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، دل انسان به درد می‌آید. بسیاری از دولت‌های اسلامی به جای حمایت از ملت مظلوم فلسطین، در تلاش‌اند که روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی کنند و افتخار می‌کنند که در کنار استکبار جهانی قرار دارند. قرآن کریم می‌فرماید: «چرا در راه خدا و برای یاری مستضعفان جهاد نمی‌کنید؟ در حالی که آنها نیاز به یاری و نصرت دارند». آیا این آیه تنها مختص مسلمانان صدر اسلام است، یا اینکه به همه مستضعفان در هر زمان و مکانی تعلق دارد؟ آیا مسلمانانی که در برابر ظلم رژیم صهیونیستی علیه ملت فلسطین سکوت کرده‌اند، یا حتی دست دوستی به سوی آن رژیم دراز کرده‌اند، از مخاطبان این سرزنش در آیه نیستند؟ آیا کلمه «مالکم» به آنان نمی‌گوید که چرا به یاری مظلومان نمی‌شتابید؟ و قابل توجه کسانی که به سیاست جمهوری اسلامی ایران در دفاع از ملت مظلوم فلسطین و دیگر مستضعفان جهان خرده می‌گیرند، قرآن می‌فرماید: «چرا؟ چه شده است شما را که در راه خدا و در راه مستضعفان جنگ نمی‌کنید؟ آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دفاع از مظلومین باید قابل ستایش باشد یا نیکویش؟ بدون شک، بر پیروان قرآن است که از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دفاع نموده و آن را ستایش کنند. همچنین، آنها باید کسانی را که دست دوستی به سوی ستمکاران دراز می‌کنند، نکوهش نمایند، چرا که قرآن این رفتار را نکوهش کرده است.

۶-۵. اصل جهاد و مقاومت

یکی دیگر از مبانی فقهی دیپلماسی انقلابی، اصل جهاد و مقاومت است. در شرایطی که دشمنان اسلام با ابزارهای مختلف همچون تحریم‌های اقتصادی، جنگ نرم و فشارهای سیاسی درصدد سلطه بر جوامع اسلامی باشند، اصل مقاومت بر اصل صلح تقدم پیدا می‌کند. براساس این اصل، جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات خارجی، سیاست ایستادگی و مقاومت را دنبال می‌کند و

اجازه نمی‌دهد که دشمنان بر سرنوشت کشور و ملت مسلط شوند.

۶-۶. نفی هرگونه وابستگی به بیگانگان، مقابله با افزون‌خواهی و اقدامات متجاوزانه

اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح دارد که هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سایر شئون کشور شود، ممنوع است. این اصل نشان‌دهنده تأکید نظام اسلامی بر حفظ استقلال و جلوگیری از وابستگی به بیگانگان است. در فقه اسلامی نیز اصل استقلال سیاسی و اقتصادی به عنوان یک قاعده مهم مطرح شده است و بر پرهیز از هرگونه وابستگی به قدرت‌های استعماری تأکید دارد. استکبارستیزی و مقابله با افزون‌خواهی از جمله اصولی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین در بیانات رهبر انقلاب و سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی ایشان به آن پرداخته و تأکید شده است. این اصول شامل استکبارستیزی، عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، و مقابله با افزون‌خواهی و اقدامات متجاوزانه در روابط خارجی می‌باشد. چنانکه در اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ و مقدمه قانون اساسی نیز به این موضوع اشاره شده است.

۶-۷. تعامل عزتمندانه با کشورهای جهان

در حالی که دیپلماسی انقلابی بر نفی سلطه و استقلال‌طلبی تأکید دارد، اما این بدان معنا نیست که جمهوری اسلامی ایران درهای تعامل را به روی دیگر کشورها بسته است. در واقع، براساس آموزه‌های اسلامی، تعامل با سایر کشورها در چارچوب عزت، احترام متقابل و تأمین منافع ملی، امری پذیرفته‌شده است. مقام معظم رهبری نیز همواره بر لزوم تعامل هوشمندانه و عزتمندانه با جهان تأکید داشته‌اند. دیپلماسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران بر اصول فقهی مستحکمی استوار است که آن را از سایر رویکردهای سیاست خارجی متمایز می‌کند. این رویکرد بر استقلال، عزت، نفی سلطه، حمایت از مستضعفین و تعامل عزتمندانه با سایر کشورها تأکید دارد. بررسی تجارب تاریخی نشان می‌دهد که هر جا مقاومت و تکیه بر اصول اسلامی محور سیاست خارجی قرار گرفته، موفقیت حاصل شده است. رهبر انقلاب می‌فرماید: «آنچه ما با آن مخالفیم، عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان و استکبار؛ آمریکا که می‌گوییم، یعنی این، مخصوص آمریکا هم نیست. امروز البته قلّه طغیان و استکبار و طاغوت، آمریکا است که در واقع در دست صهیونیست‌ها، و نه دولت صهیونیستی؛ در دست ثروتمندان و کمپانی‌داران صهیونیست، می‌چرخد. هر کشور دیگری هم همین رفتار را داشته باشد، این طور است. ما با هیچ ملّتی به عنوان ملت مخالفی نداریم؛ با هیچ نژادی، با هیچ ملّتی، ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم، با طغیان علیه ارزش‌های انسانی و الهی مخالفیم. امروز

آمریکا مظهر اینها است؛ مظهر ظلم است، مظهر استکبار است، لذا در دنیا هم منفور است» (۱۳۹۸/۱۱/۲۹).

رهبر انقلاب دلیل مخالفت با آمریکا را ظلم و طغیان آن می‌داند و معتقد است که هر کسی ظلم کند، ما با آن مخالف هستیم. دلیل مخالفت، آمریکایی بودن یا اروپایی بودن نیست، بلکه ظلم بودن است که آمریکا سبیل آن است. در بیان دیگر ایشان آمده است: «اینکه ما راجع به مسائل خارجی و سیاست خارجی و استکبار، از این حرف‌های مکرر می‌گوییم، تکرار می‌کنیم در حرف‌های عمومی، در حرف‌های خصوصی، این به خاطر این است. نه اینکه ما با ارتباط با فلان کشور حالا کشور اروپایی، کشور آسیایی، آفریقایی، مخالفیم. نه! آن‌هایی که با بنده کار کردند، می‌دانند بنده هیچ مخالفتی ندارم، بلکه از اول مشوق این جور ارتباطات بودم....» (۱۳۹۵/۰۱/۲۴). خلاصه کلام رهبر انقلاب این است که ما با داشتن روابط با کشورها مخالف نیستیم، بلکه با ظلم و استکبار مخالف هستیم. در قرآن کریم هم سلطه‌گری و هم سلطه‌پذیری نفی شده است، چنانکه در آیه «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹) آمده است. خداوند در این آیه هر دو نوع ستمگری و ستم‌پذیری را رد کرده است. اگرچه این آیه به موضوع ربا پرداخته، اما می‌توان از آن به‌عنوان یک قاعده کلی استفاده کرده و نتیجه گرفت که در اسلام هیچ‌گونه پذیرش سلطه‌گری و سلطه‌پذیری جایز نیست. آیه دیگری که بر رد سلطه‌گری در سیاست خارجی تاکید دارد، آیه ۱۴۱ سوره نساء است که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». در این آیه، خداوند هیچ‌گونه راهی برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده است. همچنین در آیه ۲۹ سوره فتح، ویژگی‌های مؤمنان چنین بیان شده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». این آیه نشان می‌دهد که مؤمنان در برابر ظلم مقاوم هستند و در برابر کفار ستیز می‌کنند. البته مراد از کفار کسانی هستند که طغیان کرده و ظلم می‌کنند و در تلاش برای سلطه‌گری هستند. از سوی دیگر، در آیه ۸ سوره ممتحنه، خداوند اشاره می‌کند که اگر کفاری که با مسلمانان در جنگ نیستند، از اخراج آنها از خانه و دیار خودداری کنند و علیه دین توطئه نکنند، مسلمانان مجاز به نیکی و حسن رفتار با آنها هستند. بنابراین، این دو آیه نشان می‌دهند کفاری که در برابر مسلمانان طغیان کرده و ستم‌روایی دارند، قابل مقاومت و مقابله هستند. به این ترتیب، هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با استکبار جهانی و زیاده‌خواهی‌های متجاوزانه، ریشه در آموزه‌های قرآن دارد. نمونه‌ای از این آموزه‌ها در آیه ۸۳ سوره قصص آمده است که می‌فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا». این آیه نشان می‌دهد کسانی که قصد سلطه و فساد دارند، از بهشت محروم خواهند شد. حتی اگر فردی عمل فساد انجام ندهد، تنها اراده فساد و طغیان به اندازه‌ای کافی است تا او را از بهشت محروم کند.

در قرآن کریم، علاوه بر تعیین وظایف مسلمین و حکومت اسلامی در مواجهه با استکبار، به‌طور خاص از جهاد در برابر دشمنان سخن گفته شده است. یکی از آیات مهم در این زمینه آیه ۷۳ سوره توبه است که خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ». در این آیه به جای واژه «قتال» که مخصوص جنگ مسلحانه است، واژه «جهاد» به کار رفته که به معنای تلاش و مبارزه در هر نوع برخورد با دشمنان است. بنابراین، جهاد در این آیه نه تنها به معنای نبرد نظامی، بلکه به معنای هرگونه مقاومت در برابر دشمنان و سلطه‌گران است. اگرچه تفسیرهای مختلفی از این آیه ارائه شده است، اما به نظر می‌رسد که این آیه به‌طور ویژه بر مقابله با متجاوزان، قلدران و زورگویان تأکید دارد و وظیفه مسلمین را در برابر استکبار و ستم‌پیشگان مشخص می‌کند. قرآن کریم به‌وضوح اعلام می‌کند که هیچ‌گونه سازشی با ستمگران جایز نیست و مسلمانان موظف به جهاد در برابر آنها هستند.

آیه دیگری که بر مخالفت با سلطه‌گران و تجاوزگران تأکید دارد، آیه ۹ سوره ممتحنه است که می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». در این آیه خداوند مسلمانان را از دوستی با کسانی که با آنها در دین و سرزمینشان در ستیز هستند، منع می‌کند. این افراد که به دنبال سلطه‌گری و نفوذ بر مسلمانان هستند، به‌هیچ‌وجه قابل پذیرش نبوده و حتی همکاری با آنها به معنای ظلم و فساد است. در این راستا، آیات قرآن به‌طور صریح تأکید دارند که حکومت اسلامی و امت مسلمان باید با رژیم‌های سلطه‌گر و کسانی که با آنها همکاری می‌کنند، به مقابله برخیزند و نباید رابطه‌ای دوستانه با چنین رژیم‌هایی برقرار کنند. این نکته در سوره ممتحنه به‌روشنی بیان شده که دوستی با سلطه‌گران و متجاوزان حتی در صورتی که مسالمت‌آمیز باشد، ممنوع است. بنابراین، رهبر انقلاب اسلامی نیز که تأکید دارند که با ظلم و طغیان مخالف هستند، مستند به این آیات قرآن کریم است.

علاوه بر این، آیه ۹ سوره توبه نیز بیان می‌کند که: «اَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، «اگر دشمنان پیمان‌شکن، عهد خود را نقض کنند و به‌طور آشکارا به دین مسلمانان حمله کنند، باید با پیشوایان کفر مبارزه کرد». قرآن در اینجا نه تنها به جنگ با کفار به دلیل کفر آنها اشاره دارد، بلکه به‌طور خاص به دلیل نقض عهد و تلاش آنها برای سلطه و فساد در دین مسلمانان، دستور به جهاد می‌دهد.

بیانات رهبر انقلاب اسلامی به‌طور دقیق در راستای آموزه‌های قرآن کریم است که نه تنها بر لزوم مقابله با ستم و استکبار تأکید دارند، بلکه موضع‌گیری‌های دقیق‌تری نسبت به رابطه با کافران و مستکبران دارند. کافر به‌خاطر کفر خود مجازات نمی‌شود، بلکه دلیل مبارزه با او، طغیانگری و

ستم‌پیشگی است. این نکته اساسی است که در آیات قرآن و همچنین در دیدگاه‌های رهبر انقلاب اسلامی به وضوح دیده می‌شود. در قرآن کریم، مبارزه با کافران و دشمنان براساس نقض عهد و بی‌توجهی به اصول انسانی و الهی صورت می‌گیرد، نه صرفاً به‌خاطر کفر آنها. به عنوان مثال، در آیه «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» (توبه، ۱۱)، خداوند می‌فرماید: «اگر کافران به اسلام ایمان بیاورند و اصول دین را رعایت کنند، هیچ تفاوتی با مسلمانان ندارند و باید به‌طور مسالمت‌آمیز با آنها زندگی کرد».

با این حال، برای مقابله با مستکبران، قرآن به‌طور واضح دستور به جهاد می‌دهد. مستکبران نه تنها اصول الهی را نمی‌پذیرند، بلکه از اصول انسانی نیز عدول می‌کنند. در این زمینه، رهبر انقلاب اسلامی بر این نکته تأکید دارند که مقاومت در برابر استکبار و سلطه‌گری، نه تنها از نظر دینی، بلکه از نظر انسانی نیز ضروری است. پشتیبانی قرآن از سیاست خارجی جمهوری اسلامی در راستای مقابله با سلطه‌گران و استکبار جهانی، نه تنها به‌عنوان یک راهبرد سیاسی، بلکه به‌عنوان یک وظیفه دینی برای حفظ استقلال و عزت مسلمانان مطرح می‌شود. به همین دلیل، سیاست استکبارستیزی جمهوری اسلامی کاملاً در راستای گفتمان قرآن قرار دارد و این مسئله در طول تاریخ انقلاب اسلامی به‌ویژه در مواجهه با قدرت‌های استکباری همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌طور مؤثری به اجرا درآمده است.

۷. تأثیر دیپلماسی انقلابی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی انقلابی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با رویکردی مبتنی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی و اصول فقهی، تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست خارجی کشور داشته است. این دیپلماسی که تحت رهنمودهای مقام معظم رهبری شکل گرفته، نه تنها به‌عنوان یک ابزار برای حفظ استقلال و عزت ملی عمل کرده، بلکه به‌طور مؤثر در شکل‌دهی به روابط بین‌المللی ایران و معرفی این کشور به‌عنوان یک قدرت مستقل و مقاوم در برابر سلطه‌گری‌ها ایفای نقش کرده است.

۷-۱. حفظ استقلال کشور

دیپلماسی انقلابی در ایران برخاسته از آموزه‌های انقلاب اسلامی است. مقام معظم رهبری در سخنان متعدد خود بر این نکته تأکید دارند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید براساس مبانی دینی و اصول فقهی، به‌ویژه اصول استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، و مبارزه با سلطه‌گری پایه‌گذاری شود. در این راستا، دیپلماسی ایران به دنبال حفظ استقلال کشور در برابر قدرت‌های

استکباری، گسترش روابط با کشورهای هم‌پیمان و مستقل، و تقویت جبهه مقاومت در منطقه است.

۷-۲. افزایش قدرت منطقه‌ای ایران

یکی از مهم‌ترین تأثیرات دیپلماسی انقلابی بر سیاست خارجی ایران، افزایش قدرت منطقه‌ای کشور است. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز توانسته است با بهره‌گیری از دیپلماسی انقلابی، در خاورمیانه به‌عنوان یک قدرت کلیدی شناخته شود. سیاست حمایت از محور مقاومت، به‌ویژه در کشورهای سوریه، عراق، لبنان، و یمن، یکی از ارکان دیپلماسی انقلابی است که به‌طور مستقیم بر وضعیت امنیتی و سیاسی منطقه تأثیر گذاشته است. ایران با حمایت از گروه‌های مقاومت در این کشورها، توانسته است ضمن تقویت موقعیت خود در معادلات منطقه‌ای، تهدیدات دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را کاهش دهد. این استراتژی موجب ایجاد یک حلقه امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر، مقابله با پروژه‌های آمریکایی و صهیونیستی در منطقه شده است.

۷-۳. تقویت روابط با کشورهای مستقل و غیرمتعهد

دیپلماسی انقلابی ایران، به‌ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی، بر تقویت روابط با کشورهای مستقل و غیرمتعهد متمرکز بوده است. آیت‌الله خامنه‌ای بر این نکته تأکید دارند که ایران باید روابط خود را با کشورهای مستقل، آزاد و ضد استکباری تقویت کند و به‌ویژه با کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین همکاری‌های گسترده‌ای برقرار نماید. این رویکرد باعث شده است که ایران بتواند به‌طور مؤثر در برابر فشارهای بین‌المللی ایستادگی کرده و با استفاده از روابط خود با کشورهای نظیر چین، روسیه، ونزوئلا و برخی کشورهای آفریقایی، در برابر تحریم‌ها و فشارهای غرب مقاومت کند. در این راستا، سیاست نگاه به شرق که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، یکی از ارکان دیپلماسی انقلابی به‌شمار می‌آید. ایران با تقویت روابط اقتصادی، تجاری، و نظامی با قدرت‌های شرقی، به‌ویژه چین و روسیه، توانسته است در برابر تحریم‌ها و فشارهای غرب به‌ویژه ایالات متحده، از ظرفیت‌های جدید بهره‌برداری کند.

۷-۴. مبارزه با استکبار جهانی

یکی از ویژگی‌های بارز دیپلماسی انقلابی ایران، مبارزه با استکبار جهانی به‌ویژه در قالب ایالات متحده و رژیم صهیونیستی است. این رویکرد از زمان آغاز انقلاب اسلامی تاکنون ادامه داشته است و در سخنان مقام معظم رهبری نیز همواره بر این اصل تأکید شده که ایران باید در برابر سلطه‌گری‌های جهانی ایستادگی کند. دیپلماسی انقلابی ایران در برابر استکبار جهانی نه تنها

به صورت مبارزه سیاسی و اقتصادی خود را نشان داده، بلکه به طور مؤثر در مبارزه فرهنگی و رسانه‌ای نیز وارد عمل شده است. ایران همواره از حقوق مردم فلسطین، مقاومت اسلامی و حق کشورهای مستقل در برابر قدرت‌های سلطه‌گر دفاع کرده و با اعلام حمایت از دولت‌های مستقل و مقاوم در کشورهای مختلف، به ویژه در خاورمیانه، به یکی از رهبران مبارزه با سلطه‌گری تبدیل شده است.

۵-۷. تقویت قدرت دفاعی و امنیتی

یکی دیگر از تأثیرات دیپلماسی انقلابی بر سیاست خارجی ایران، تقویت قدرت دفاعی و امنیتی کشور است. دیپلماسی انقلابی ایران به ویژه در زمینه توانمندی‌های دفاعی و استقلال نظامی تأکید دارد. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد قدرت دفاعی بومی بوده است تا از هرگونه وابستگی به کشورهای خارجی جلوگیری کند. این رویکرد در عرصه بین‌المللی موجب شده که ایران تهدیدات خارجی را به فرصت تبدیل کند و از هرگونه فشار نظامی به ویژه از سوی ایالات متحده و کشورهای غربی مصون بماند. تولید و توسعه فناوری‌های دفاعی بومی نظیر موشک‌های دوربرد، پهپادها و سیستم‌های دفاعی پیشرفته از جمله دستاوردهای دیپلماسی انقلابی ایران در زمینه تقویت قدرت دفاعی کشور است.

۶-۷. مقابله با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی

دیپلماسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی بر اصول اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی تأکید دارد. در این زمینه، سیاست نگاه به درون که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، به طور مؤثر در تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی به منابع خارجی عمل کرده است. ایران با تکیه بر منابع داخلی، توانسته است برخی از اثرات تحریم‌ها را کاهش دهد و از ظرفیت‌های داخلی برای مستقل شدن در عرصه‌های مختلف بهره‌برداری کند. همچنین، سیاست‌های دیپلماسی اقتصادی ایران با کشورهایی که از تحریم‌ها تبعیت نکرده‌اند، مانند چین، روسیه و کشورهای آسیای جنوب شرقی، توانسته است روابط تجاری و اقتصادی ایران را گسترش دهد و از تحریم‌ها عبور کند.

۸. نتیجه‌گیری

دیپلماسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران، که براساس آموزه‌های انقلاب اسلامی و اصول دینی و فقهی شکل گرفته، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای در سیاست خارجی ایران داشته است. این دیپلماسی با تأکید بر استقلال ملی، مبارزه با سلطه‌گری، تقویت روابط با کشورهای مستقل و افزایش قدرت منطقه‌ای، توانسته جایگاه جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک قدرت مستقل و مقاوم در عرصه

جهانی تثبیت کند. از تأثیرات بارز دیپلماسی انقلابی می‌توان به افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و گسترش جبهه مقاومت در منطقه خاورمیانه اشاره کرد. ایران با حمایت از کشورهای سوریه، عراق، لبنان و یمن، توانسته است نه تنها تهدیدات خارجی را کاهش دهد، بلکه به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در معادلات منطقه‌ای شناخته شود. این استراتژی موجب تقویت امنیت و منافع ملی ایران در برابر تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است. همچنین، دیپلماسی انقلابی ایران با تأکید بر نگاه به شرق و تقویت روابط با کشورهای نظیر چین و روسیه، توانسته در برابر فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها مقاومت کند و از ظرفیت‌های جدید برای توسعه اقتصادی و نظامی بهره‌برداری نماید. مبارزه با استکبار جهانی، به‌ویژه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، همواره یکی از ارکان اصلی دیپلماسی انقلابی بوده و ایران با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای خود، جایگاه ویژه‌ای در مبارزه با سلطه‌گری‌های جهانی به‌دست آورده است.

تقویت قدرت دفاعی و استقلال نظامی نیز از دیگر دستاوردهای دیپلماسی انقلابی است که ایران را در برابر تهدیدات خارجی مقاوم کرده است. توانمندی‌های دفاعی بومی مانند موشک‌های دوربرد و سیستم‌های پیشرفته دفاعی نشان‌دهنده این است که ایران با استفاده از دانش و فناوری داخلی، تهدیدات خارجی را به فرصت تبدیل کرده است. با این حال، دیپلماسی انقلابی همچنان با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها، تنش‌های منطقه‌ای و رقابت‌های جهانی ازجمله عواملی هستند که می‌توانند بر روند این دیپلماسی تأثیر بگذارند. با این وجود، با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری و پایبندی به اصول انقلاب اسلامی، دیپلماسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران همچنان به مسیر خود ادامه خواهد داد و در جهت حفظ منافع ملی، تقویت استقلال کشور و جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی تلاش خواهد کرد. در مجموع، دیپلماسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران یک سیاست موفق و مؤثر بوده که توانسته است با حفظ استقلال ملی و مقاومت در برابر فشارهای بین‌المللی، جایگاه ویژه‌ای برای ایران در عرصه جهانی به‌دست آورد. آینده این دیپلماسی، با تأکید بر اصول انقلاب اسلامی، مسیر خود را در راستای تقویت قدرت و نفوذ ایران در عرصه جهانی ادامه خواهد داد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۷/۰۴). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43591>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۲/۰۶). سخنرانی تلویزیونی رهبر انقلاب در پایان محفل انس با قرآن کریم. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45426>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۱۱/۰۹). بیانات در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۱۲/۱۰). بیانات در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=396>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۰۴/۱۲). بیانات در دیدار با کارگزاران حج. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42974>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۸/۱۲). بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24378>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۳/۱۴). بیانات در بیست و سومین سالگرد رحلت امام. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۴/۱۴). پیام به حجاج بیت‌الله الحرام. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2126>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۴/۱۴). پیام به حجاج بیت‌الله الحرام. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2126>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۲/۱۵). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۰۲/۱۸). خطبه‌های نماز جمعه تهران. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20689>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۰۴/۱۸). بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۰۴/۱۹). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3016>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹/۱۰/۱۹). بیانات در سالگرد قیام ۱۹ دی. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2409>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۲/۲۲). بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6642>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۲/۲۳). *بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان*. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41994>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۱/۲۴). *بیانات در دیدار عیدانه جمعی از مسئولان کشور*. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=32827>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۵/۲۵). *بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران جمهوری اسلامی ایران*. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18427>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۰۶/۲۷). *بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه نماز*. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3352>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۱۱/۲۹). *بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی*. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44955>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۵/۳۱). *بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور*. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2167>
- خوشوقت، محمدحسین (۱۳۵۸). *تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*. تهران: وزارت امور خارجه.
- سویلمی، مرتضی (۱۴۰۲). *مبانی دیپلماسی انقلابی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی*. تهران: اندیشکده صنایع نرم.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۸). *مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*. تهران: دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.